

فضول باشی ورزش و بیگ های قلابی

فضول باشی را بعد از مدت ها که موفق به زیارتش نشده بودم سرحال دیدم و خدا را شکر کردم . آخه هر وقت که او به من بخندد و خوب تحویل بگیرد آن روز بهترین و زیباترین روز من خواهد بود. این بار نیز او میزان میزان بود و زود سر صحبت را باز کرد و گفت: می خواهم داستانی به تو بگویم و از آن نتیجه گیری بکنم اگر حوصله اش را داری بگو تا من شروع کنم.

گفتم عزیز دل برادر مگر میشه انسان، شیرینی هم صحبت شدن با تو را با چیز دیگری عوض بکنه من سراپا گوش خواهم بود. گفت: شخصی تازه به دوران رسیده مدام می کوشید پا جای پای بیگ ها و اشراف زادگان بگذارد و در رفتار و کردار خود از ایشان تقلید کند. روزی همچنان که با افاده ی تمام گردن گرفته و دست بر کمر زده از کویی می گذشت به چاله ی پر کثافتی فرو رفت. اطرافیان دویده طنابی آوردند! اما او همچنان دست بر کمر ایستاده بود و به گرفتن سر طناب رضایت نمی داد که مبادا با برداشتن دست از کمر گاه از بیگی بیفتد و این داستان بیشتر در مورد کسانی به کار می رود که علی رغم ناکامی و تیره بختی و نا توانی دست از تکبر و خودنمایی بر نداشته و قدرت و توان و ظرفیت قبول واقعیت ها را نیز ندارند. گفتم منظورت از این داستان سرایی چیست و در مورد چه کس یا چه کسانی می خواهی حرف بزنی؟

گفت بین من را با هیچکس دشمنی نیست و بدون دلیل و مدرک هم بر علیه کسی حرف نمی زنم . ناگفته پیداست ، عده ای عادت دارند همیشه از حرف حق برنجند و گوینده اش را خائن و نادان و ناآگاه و مغرض و از این دست افراد بدانند ولی به راستی که این داستان را می توان در شائن و مرتبت برخی از دست اندرکاران ورزش و از جمله فوتبال وارد دانست که نمی خواهند از بیگ بودن خود دست بردارند و تن به واقعیت های موجود بدهند.

به فضول باشی گفتم جان هر کسی که دوست داری از فوتبال حرف نزن. حالا فردا باز این دبیرش در فضای مجازی می آید و می گوید که فضول باشی را هم خیلی وقت است می شناسم و آن گاه به تو بی حرمتی می کنند ول کن بابا تو هم حوصله داری.

گفت بزار بگوید، مگه ایرادی داره که من را بشناسه، خوب من هم او را و دیگر دوستانش را می شناسم، ماشاله و انشاله را هم شناسم، نگران بیانیه نباش ولی بشنو چرا این را گفتم. مدت هاست که می گویم در پنج سال گذشته مجمع هیات فوتبال استان به طور قانونی

برای یک بار هم که شده تشکیل نیافته و بنابر این بر اساس اساسنامه کلیه اقدامات آنها در طول این سال ها قانونی نبوده است. حالا به جای این که این واقعیت را به پذیرند گاهها مدعی می شوند که تشکیل یافته است .

در مقابل این ادعا می گوئیم قربان قد و بالای شما و همت فرهاد و قدرت کلنگ و بیل شما در کندن بیستون و از بین بردن مشکلات فوتبال برویم آیا می شود که آدرس این مجامع برگزار شده از جمله تاریخ و محل تشکیل و روسای مجمع و در نهایت صورت جلسه های تنظیمی را اعلام کنید و جهت اطلاع افکار عمومی آنها را منتشر به فرمایید تا فضول هایی چون من نتوانند سخن های این چینی را بر زبان آورند.

گفتم فضول باشی فکر کنم بهتر است که تو را زود زود ملاقات نکنم چرا که برخی وقت ها بدون در نظر گرفتن اوضاع زمانی و مکانی حرف هایی می زنی که ممکن است برای من دردسرساز شود. ول کن بابا وقتی می گویند تشکیل شده بگو تشکیل شده تا مورد عنایت قرار بگیری و عزیز سلطان بشوی.